

تحلیل شیوه‌های اثرپذیری از حدیث در شعر نظامی

لطیفه سلامت‌باویل^۱

چکیده

الفاظ و معانی احادیث به صورت‌های گوناگون در زندگی مسلمانان، رفتار، گفتار و کردار آنان تأثیر داشته‌است. یکی از بارزترین موارد این تأثیر سروده‌های شاعران است. نظامی نیز یکی از شاعران بزرگی است که از علوم مختلف زمان خود بهره‌مند بوده و مضامین عالی قرآن و حدیث به اشکال مختلف در آثار او راه یافته است. شعر او هم از نظر صورت و هم از نظر معنا در اوج هنر شعری است. نظامی برای تبیین مفاهیم دینی و اخلاقی مورد نظرش در اشعار خود به وفور از آیات و احادیث بهره گرفته است. در این پژوهش گونه‌های مختلف اثرپذیری از حدیث در شعر نظامی به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی شده است. از میان انواع مختلف شیوه‌های اثرپذیری، اثرپذیری ساختاری - سبکی و اثرپذیری شیوه‌ای در آثار نظامی دیده نمی‌شود و اثرپذیری واژگانی و الهامی - بنیادی بیشترین کاربرد را در اشعار او داشته است.

واژه‌های کلیدی: نظامی، حدیث، گونه‌های اثرپذیری، نقد.

۱- استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
salamatlatifeh@yahoo.com

۱- مقدمه

در تحلیل متون کمتر متنی را می‌توان یافت که مستقل از سخن دیگران یا عبارات و مضامین آثار قبل یا همزمان خود باشد و از آن‌ها تأثیر نپذیرفته باشد. «نظریه‌پردازان امروزی، متن‌ها را، خواه ادبی و خواه غیرادبی، فاقد هر نوع معنای مستقل می‌دانند. آنان معتقدند که این متن‌ها در شبکه‌ای از روابط فرو می‌غلطند که کشف کردن یک متن و کشف معنا یا معانی آن، در گرو ردیابی کردن روابط بینامتنی است» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۱).

فوکو دربارهٔ تأثیر و وابستگی متون به یکدیگر می‌گوید: «مرزهای یک کتاب به اندازهٔ کافی و دقیق مشخص نمی‌شوند. در پس عنوان کتاب و سطرهای نخست و واژه‌های پایانی و در پس ساختار درونی و شکل و صورت کتاب که به آن نوعی استقلال و تمایز می‌بخشند، منظومه‌ای از ارجاعات وجود دارند که به کتاب‌ها و متون و جمله‌های دیگری حواله می‌کنند و این مسئله، آن کتاب را به گرهی در درون شبکه‌ای گسترده و جزئی از یک کل فراگیرتر بدل می‌کند» (فوکو، ۱۳۸۹: ۴۱). آیات قرآن و احادیث معصومان نیز همواره با امور مادی و معنوی ایرانیان درآمیخته و در عادات و اخلاق، گفتار و نوشتارشان اثر گذاشته است؛ تا جایی که درک مفهوم بسیاری از اشعار بدون آشنایی قبلی با مضامین قرآنی و روایات دشوار به نظر می‌رسد؛ لذا وابستگی آثار شاعران و نویسندگان به این دو منبع آسمانی و آمیختگی مفاهیم آنان با یکدیگر امری اجتناب‌ناپذیر است.

هر شاعر و ادیب مسلمان که از دین مبین اسلام و کتب دینی تأثیر پذیرفته است، سعی می‌کند تا در لابه‌لای اشعار و سخنانش، الفاظ و عباراتی از آیات کلام‌الله و روایات اهل بیت علیهم‌السلام را در نوشتهٔ خویش متجلی و منعکس سازد.

«استفاده از آیات و احادیث در نثر و نظم پارسی از قرن چهارم تا نیمهٔ اول قرن پنجم در حدی که در رساندن معنای کلام مفید واقع شود، بوده و بعد از آن، از نیمهٔ اول قرن پنجم به بعد و با رواج زبان عربی، توجه به معارف اسلامی، تأسیس مدارس علمی و خانقاه‌ها موجب می‌شود، تغییراتی در نظم و نثر حاصل شود که یکی از بارزترین این تغییرات استفاده از آیات و احادیث هم در حوزهٔ معنایی و هم

در جهت آراستن کلام در حدّی متعارف و خالی از تکلف است» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۷۷). این پژوهش پس از بیان پیشینه و معرفی شعر و سبک نظامی به توضیح شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از قرآن و حدیث می‌پردازد و برای هرکدام از شیوه‌ها فقط احادیث به کار رفته در خمسه نظامی را مورد بررسی قرار داده و نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

۱-۱- بیان مسأله و سوالات تحقیق

میراث ماندگار حدیث بعد از قرآن، مهم‌ترین و بیشترین سهم را در شناختن و شناساندن شریعت و معرفت و شرح و تفسیر قرآن و تبیین دین داشته است. شاعران و نویسندگان در خلق آثار خود از احادیث بهره‌جسته و در عین حال سبب رونق این دانش شده‌اند. این پژوهش به بازنمایی جلوه‌هایی از احادیث در شعر نظامی پرداخته است. نظامی مضامین احادیث را دست‌مایه‌ای برای قوت و غنای آثار خود قرار داده و با تعبیری هنرمندانه آگاهی‌های علمی، فلسفی و دینی خود را به شیوه‌های گوناگون بیان کرده است. بهره‌گیری او از حدیث مانند بهره‌گیری از هر علم و پدیده ادبی دیگر، شیوه‌ها و گونه‌های مختلفی دارد. در این پژوهش ضمن توضیحی کوتاه در تعریف هریک از گونه‌های اثرپذیری، نمونه‌هایی از اشعار نظامی انتخاب شده تا بیانگر شیوه‌های اقتباس او در اندیشه‌های شاعرانه‌اش باشد. گونه‌های مختلف اثرپذیری عبارتند از: اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره‌ای، اثرپذیری گزارشی، اثرپذیری الهامی-بنیادی، اثرپذیری تلمیحی، اثرپذیری تأویلی، اثرپذیری تطبیقی، اثرپذیری تصویری، اثرپذیری ساختاری-سبکی، اثرپذیری شیوه‌ای و اثرپذیری چند سویه که تعدادی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

اهداف پژوهش حاضر را می‌توان به‌طور خلاصه در چند بخش بیان کرد: بیان اهمیت و ضرورت بهره‌مندی از آموزه‌های حدیث. باز نمودن و آشکارسازی هم‌خوانی و هم‌سانی‌های اشعار با احادیث.

چگونگی ساخت و پرداخت احادیث در شعر.
معرفی شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از حدیث.
مطالعه چگونگی پیوستگی و درهم‌تنیدگی واحدهای زبانی - بیانی برای دریافت
سبک و ساختار ویژه نظامی.
بازنمودن اندیشه‌های شاعرانه نظامی بر اساس احادیث برای دریافت غنای
فرهنگ و ادب فارسی.

۱-۳- پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مقالات فراوانی در خصوص تأثیر قرآن و حدیث بر آثار شاعران و نویسندگان نگاشته شده است. می‌توان گفت تقریباً آثار تمام شاعران از رودکی، فردوسی، حافظ، عطار، مولانا، امیرخسرو دهلوی، خاقانی و ابن‌یمین فریومدی گرفته تا شاعران معاصر از حیث تجلی قرآن و حدیث مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در خصوص نظامی مقاله «تحلیل ساختار و مضمون توسل در اشعار نظامی گنجوی با تکیه بر قرآن و حدیث» از ابراهیم ابراهیمی و سیده زهرا موسوی به بررسی انواع توسل و مقایسه رویکردهای نظامی با رویکردهای اعتقادی به شیوه تطبیقی با قرآن و حدیث پرداخته است. در مقاله «آیات قرآنی در شعر نظامی» از سید محمد علوی مقدم طرح یا اشاره آیات قرآنی در مخزن‌الاسرار نظامی مورد بررسی واقع شده است. در مقاله «زبان‌های از زبان نظامی» از حیدرعلی دهمرده ویژگی‌های برجسته زبانی نظامی از قبیل واژه‌گزینی، ترکیب‌سازی و... بررسی شده است. مقاله «انعکاس آموزه‌های تعلیمی در خمسه نظامی» از محمدحسین خان محمدی و حجت‌اله همّتی به درون‌مایه‌های تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی در منظومه‌های نظامی پرداخته است و در مقاله «پیامبر خدا در مخزن‌الاسرار نظامی» از قادر فاضلی ابعاد وجودی پیامبر خاتم (ص) بررسی شده است، اما پژوهش حاضر به هشت شیوه اثرپذیری حدیث به‌عنوان دومین منبع و سرچشمه جوشان معارف اسلام ناب محمدی، در خمسه نظامی می‌پردازد که تاکنون مورد تحقیق واقع نشده است.

۲- بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱- شعر قرن ششم و نظامی

قرن ششم از نظر تحوّل شعر اهمّیت خاصی دارد. در این قرن شاعران بسیاری ظهور کرده‌اند که منشأ اثرات شگرفی بر افکار و سبک شاعران پس از خود شدند. این شاعران نیز تحت تأثیر شاعران قبل از خود بوده و تغییراتی که پیش از آنان شروع شده بود، در اشعارشان منعکس شده است. شعر این دوره به خاطر داشتن مضامین متنوع قابل اعتناست. هرچند از نیمه دوم قرن پنجم آغاز تغییراتی را در سبک خراسانی شاهدیم و هریک از شاعران تغییر خاصی را در شعر این دوره به‌وجود آورده‌اند، ولی حدّ اعلای این تکامل را در قرن ششم مشاهده می‌کنیم (صفا، ۱۳۶۷: ۳۴).

پیشینه اثرپذیری شاعران از قرآن و حدیث به نیمه‌های قرن سوم می‌رسد، اما در این قرن و قرن چهارم این تجلّی چندان گسترده نیست؛ زیرا مضمون شعر در این قرن‌ها بیشتر بر محور مدح و ستایش و عشق می‌چرخد که این مایه‌ها با قرآن و حدیث پیوند کمتری دارد، اما با گذشت زمان و نفوذ زبان عربی، تأثیر معارف اسلامی و پدیده‌های فرهنگی بر شاعران افزایش یافته و زمینه تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی گسترش می‌یابد و سرانجام در قرن‌های هفتم و هشتم و در شعر مولانا به اوج خود می‌رسد. نظامی شاعر و داستان‌سرای قرن ششم علاوه بر تبخّر در شاعری از علوم رایج روزگار خود نیز آگاهی داشته است. تسلّط او در علم نجوم، ریاضی، فقه، کلام، فلسفه، تفسیر قرآن و حدیث، نقّاشی و معماری در تمام آثارش بازتاب یافته است.

آثار نظامی به‌جز مخزن‌الاسرار همه داستان است و هرچند استاد داستان‌سرایی به‌شمار می‌آید و تا قرن‌ها شاعران به تقلید شیوه و ساختن نظیره آثار او پرداخته‌اند، اما هدف او در سرودن داستان‌ها نیز ارشاد و تعلیم است و برای این امر از آیات و احادیث سود جسته است.

نظامی در کاربرد احادیث از شیوه‌های مختلف و متنوعی استفاده کرده است. او مانند سنایی آیات و احادیث را برای هنرنمایی به‌کار نمی‌برد، بلکه مقصود او بیان

حکمت و پند و تعلیم بایسته‌های اخلاقی است.

۲-۲- شیوه‌ها و گونه‌های اثرپذیری از احادیث

در دین اسلام حدیث یا سنت اعتباری عظیم و بهایی بسیار دارد؛ زیرا بسیاری از آیات قرآنی، مجمل، مطلق یا عام است و این قول و فعل و یا تقریر پیامبر اکرم و معصومان است که آن‌ها را بیان می‌کند و مقید و مختص می‌سازد و مبهمات آن‌ها را روشن می‌گرداند (حلی، ۱۳۸۳: ۳۳). بهره‌گیری نظامی از احادیث مانند بهره‌گیری از هر پدیده ادبی دیگر، شیوه‌های گوناگونی دارد. او از شاعرانی است که به شیوه‌های هنرمندانه از احادیث بهره برده است: گاه آشکار و عیان و گاه پوشیده و پنهان.

۲-۲-۱- اثرپذیری واژگانی

در این شیوه اثرپذیری، شاعر در به‌کارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها وامدار حدیث است؛ یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که در حدیث ریشه دارند و مستقیم و غیرمستقیم توسط شاعر به زبان و ادب فارسی راه یافته‌اند. اثرپذیری واژگانی خود به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی صورت می‌گیرد:

الف - وام‌گیری

در این شیوه، واژه یا ترکیبی از حدیث با همان ساختار عربی خود، بی‌هیچ دگرگونی یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی‌آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند به زبان و ادب فارسی راه می‌یابد (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵-۱۶).

در بیت زیر واژه ظلم از سخن مولا علی^(ع) وام گرفته شده است. مصرع اول همسو با روایت: **أَيُّكُمْ وَالظُّلْمَ فَإِنَّهُ أَكْبَرُ الْمَعَاصِي** (تمیمی امدی، ۱۳۶۶: ۲/۲۹۶).

ظلم رها کن به وفا در گریز خلق چه باشد به خدا در گریز

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۷۵)

و مصرع دوم نیز ترجمه‌واری از آیه ۵۰ سوره ذاریات است: **فَقَرِّوا لِي اللهُ**.

شاعر در بیت زیر از ترکیب «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ» عیناً با همان ساختار بدون هیچ تغییری در ترکیب وام گرفته است:

در صفت گنگ فرو مانده‌ایم «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ» فرو خوانده‌ایم
(همان: ۱۷۰)

بیت از حدیث قدسی «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كَلَّ لِسَانَهُ» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۳۰۶) بهره برده است.

ب- ترجمه

در این شیوه، شاعر از پارسی‌شده واژه یا ترکیبی قرآنی - حدیثی بهره می‌گیرد (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۷).

نظامی گاه واژه یا ترکیبی را از حدیث گرفته و در شعر نشانده است و با استفاده از بار معنایی آن واژه یا ترکیب، بهترین مفهوم را در کمترین حجم کلمات به مخاطب القا می‌کند:

از پنجه مرگ جان کسی برد کو پیش از مرگ خویشان مرد
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۹۴)

در بیت از حدیث نبوی «مُوتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۹/۷) بهره برده است. در خسرو و شیرین نیز به این مفهوم و حدیث «الْمَوْتُ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ» (سیوطی، ۱۳۷۳: ۱۲۸/۱) اشاره کرده است:

چو عاجز وار باید عاقبت مرد چه افلاطون یونانی چه آن گرد
همان به کاین نصیحت یادگیریم که پیش از مرگ یک نوبت بمیریم
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۸: ۴۴۳)

ج- برآیندسازی

در این شیوه واژه یا ترکیبی بی‌آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در حدیث آمده باشد، بر پایه مضمون آیه، حدیث یا داستانی قرآنی - حدیثی ساخته می‌شود، به دیگر سخن، چنین واژه یا ترکیبی برآیند و فرآورده‌ای است از آیه یا حدیث (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۸).

در بیت زیر واژه قره‌العین برگرفته از تعبیر قرآنی *قُرَّةَ عَيْنٍ لِي وَ لَكَ* (سوره قصص، آیه ۹) است. همین تعبیر در سخن حضرت رسول (ص) نیز آمده است:

«حُبِّ اِلَى مِنْ دُنْيَاكُمْ النَّسَاءُ وَالطَّيِّبُ وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (سیوطی، ۱۳۷۳: ۵۶۷/۱۰).

ای چارده ساله قره‌العین بالغ نظر علوم کونین

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۴۵)

در بیت زیر برآیندسازی از سخن پیامبر اکرم (ص) صورت گرفته است:

حاصل دنیا چو یکی ساعت است ایزد را بر تو درو طاعت است

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۸۳)

«الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَاجْعَلْهَا طَاعَةً» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۴/۷۷)، دنیا ساعتی بیش نیست، آن

را در طاعت خدا بگذران.

۲-۲-۲- اثرپذیری گزاره‌ای

این اثرپذیری به دو گونه حلّ و اقتباس بخش پذیر است.

الف- اقتباس و تضمین

در این شیوه، گوینده عبارتی قرآنی و روایی را با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر یا دگرگونی یا با اندک تغییری که در تنگنای وزن و قافیه از آن گریز و گزیری نیست، در سخن خود جای می‌دهد. این‌گونه بهره‌گیری از قرآن یا حدیث با

قصد و هدف‌های گوناگونی انجام می‌پذیرد: تبرک و تیمن، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تزیین و تجمیل، استشهاد و استناد، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و

چه بسا پاره‌ای از این‌ها یک‌جا و با هم نیز زمینه‌ساز اقتباس می‌توانند باشند. برای نمونه نظامی در نخستین بیت مخزن‌الاسرار آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به قصد تبرک و بی‌هیچ تغییری اقتباس کرده است: (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هست کلید در گنج حکیم

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۵۵)

بسیاری از شاعران سخن خود را با نام خداوند شروع کرده و نام خدا را بهترین سرآغاز قرار داده‌اند؛ زیرا هرکاری بدون نام خدا آغاز شود، ابتر و ناتمام است. همان‌گونه که پیامبر (ص) فرموده‌اند:

كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَمْ يُدَكَّرْ فِيهِ اسْمُ اللَّهِ فَهُوَ ابْتَرٌ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸/۱) که نظامی

نیز به این حدیث نبوی کاملاً متعهد بوده است.

ب - حلّ

تنگنای وزن و قافیه از یک‌سو و اشتیاق به اقتباس از دیگر سو، گاه گوینده را وامی‌دارد تا برای آذین‌بندی سخن خویش به آیه و حدیث، بیش از پیش آن‌ها را دگرگون و دستکاری کند و چه بسا ساختار اصلی آن‌ها را به هم بریزد. دستکاری تا مرز از هم پاشیدن ساخت و بافت آیه و حدیث که در زبان ادب حلّ و تحلیل خوانده شده در سروده‌های بیشتر شاعران دیده می‌شود (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۴).

بیت زیر الهام گرفته از سخن معروف مولا علیه‌السلام است که فرموده‌اند: مَنْ عَرَفَ

نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (تمیمی امدی، ۱۳۶۶: ۵/۱۹۴)

بدان خود را که از راه معانی خدا را دانی ار خود را بدانی

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۸: ۴۱۱)

همین مفهوم در هفت‌پیکر نیز آمده است:

هر که خود را چنانکه بود شناخت تا ابد سر به زندگی افراخت
فانی آن شد که نقش خویش نخواند هر که این نقش خواند باقی ماند
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۳۷)

نظامی در بیت زیر نیز بافت و ساخت حدیث را به هم زده و صنعت حلّ را به کار برده است:

بالیده دانه تو گشتم خاک در تو در بهشتم
(همان: ۱۲۴)

ابیات زیر هم سمت‌وسو با روایتی است نظیر: «ایاکَ وَ کَثْرَةَ الصَّحَکِ فَأَنَّهُ یُمِیتُ الْقَلْبَ» (بحار الانوار: ۵۹/۷۶) که خنده بسیار دل را می‌میراند. در ابیات فوق بافت حدیث به هم ریخته و مفهوم آن در ابیات تحلیل شده است:

خنده چو بی‌وقت گشاید گره گریه از آن خنده بی‌وقت به
سوختن و خنده زدن برق وار کوتاهی عمر دهد چون شرار
بی‌طرب این خنده چون شمع چیست بس که برین خنده باید گریست
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۵۹)

۲-۲-۳- اثرپذیری گزارشی

در اثرپذیری گزارشی، گوینده مضمون آیه یا حدیثی را به دو شیوه ترجمه یا تفسیر به پارسی گزارش می‌کند. گاه به شیوه نقل قول و با یادکرد نام گوینده و گاه بی‌آن و از زبان خود.

الف- ترجمه

ترجمه آیه و حدیث به پارسی مانند هر ترجمه دیگری گاه بسته و تحت‌اللفظی

است و گاه آزاد و باز. در ترجمه بسته، ترجمه پارسی، هم در معنی و مضمون با اصل عربی برابر است و هم در ساختار بیانی با آن هم‌خوانی دارد. در این شیوه، گزاره‌ای قرآنی یا حدیثی بی‌آنکه معنی و مضمونش چندان کم و بیشی پذیرد و ساختار بیانی‌اش چندان دگرگون شود، جامه پارسی می‌پوشد، اما در ترجمه باز و آزاد، به ضرورت وزن و قافیه هم کم و بیشی‌هایی در معنی و مضمون راه می‌یابد و هم گاهی در ساختار بیانی دگرگون می‌شود، مثلاً گزاره‌ای انشایی به خبری ترجمه می‌گردد یا گزاره سوم شخص به اول شخص یا دوم شخص گزارش می‌شود (راستگو، ۱۳۷۶: ۳۸-۴۲).

ابیات زیر را می‌توان ترجمه بسته‌ای از این سخن مولا علیه‌السلام دانست: «رَحِمَ اللهُ امرءَ عَليمٍ مِنْ اَیْنٍ وَ فِی اَیْنٍ وَ اِلی اَیْنٍ»: (ملاصدرا، ۱۳۸۰: ۱۰۱/۳)

منزل خود بین که کدام است راه و آمدن و رفتن ازین جایگاه
 ز آمدن این سرفت رأی چیست باز شدن حکمت ازین جای چیست
 (نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۱۷)

و ترجمه‌ای از حدیث «أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ» (سیوطی، ۱۳۷۳: ۱۶/۱)

ب - تفسیر

در این شیوه سخنور آیه یا حدیث یا مضمون آن‌ها را باز می‌گشاید، می‌گسترده و با شرح و بسط در سخن خویش می‌آورد (راستگو، ۱۳۷۶: ۴۳).
 ابیات زیر گزارش یک روایت است که نظامی آن را باز گشوده و شرح و بسط داده است:

چو بد کردی مباحش ایمن ز آفات	که واجب شد طبیعت را مکافات
سپهر آینه عدل است و شاید	که هرچ آن از تو بیند وانماید
منادی شد جهان را هر که بد کرد	نه با جان کسی با جان خود کرد
مگر نشنیدی از فرآش این راه	کسی کو چاه کند افتاد در چاه
به چشم خویش دیدم در گذرگاه	که زد بر جان موری مرغکی راه

هنوز از صید منقارش نپرداخت که مرغی دیگر آمد کار او ساخت
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۸: ۴۴۳)

که بسط روایت «مَنْ فَعَلَ الشَّرَّ فَعَلَى نَفْسِهِ اعْتَدَى» (تمیمی امدی، ۱۳۶۶: ۱۵ / ۲۴۳) است. همین مفهوم را در روایت «مَنْ أَنْسَأَ الشَّرَّ أَنْسَأَهُ عَلَى نَفْسِهِ» (همان: ۳۴۳/۵) نیز می‌بینیم.

۲-۲-۴- اثرپذیری الهامی - بنیادی

در این شیوه، گوینده مایه و پایه سخن خویش را از آیه یا حدیثی الهام می‌گیرد و سروده خویش را بر آن نکته الهام گرفته بنیاد می‌نهد و سخنی می‌پردازد که آشنایان، آن را با آیه یا حدیثی در پیوند می‌بینند؛ پیوندی گاه تا آنجا نزدیک و آشکار که سخن را ترجمه‌ای خیلی آزاد (مضمون‌گیری) از آیه و حدیث فرا می‌نماید و گاه چنان دور و پنهان که پذیرش اثرپذیری را دشوار می‌سازد (راستگو، ۱۳۷۶: ۴۷).
بیت زیر برگرفته از این سخن پیامبر (ص) است که فرمودند: «جَفَّ الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَاتِبٌ»:

به حکمی که تو در ازل رانده‌ای نگردد قلم ز آنچه گردانده‌ای
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۶: ۹)

نظامی در مخزن‌الاسرار در بیان معراج پیامبر ابیات زیر را می‌سراید:

همسفرانش سپر انداختند	بال شکستند و پر انداختند
او به تحیر چو غریبان راه	حلقه‌زنان بر در آن بارگاه
پرده‌نشینان که رهش داشتند	هودج او یک تنه بگذاشتند
رفت بدان راه که هم‌ره نبود	این قدمش ز آن قدم آگه نبود

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۸۳)

این ابیات مضمون و حدیثی از پیامبر را به یاد می‌آورد که فرمود:

«لِي مَعَ اللَّهِ وَوَقْتُ لَا يُسَعْنِي مَلَكٌ مَقْرَبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۹/۲۴۳)

در داستان معراج پیامبر حتی مقربان درگاه که انتظار او را می‌کشیدند، کجاوه او را تنها گذاشتند و پیامبر به جایی راه یافتند که هیچ نبی و ملک مقربی راه نداشت.

۲-۲-۵- اثرپذیری تلمیحی

در این شیوه، گوینده سخن را مانند اثرپذیری الهامی - بنیادی بر پایه نکته‌ای قرآنی یا روایی بنا می‌نهد، اما به عمد آن را با نشانه و اشاره‌ای همراه می‌سازد و بدین‌گونه خواننده اهل و آشنا را به آنچه خود بدان نظر داشته، راه می‌نماید و چه بسا خواننده ناآشنا را به کندوکاو و پرس و جو وامی‌دارد و همین تفاوت آشکار اثرپذیری تلمیحی با الهامی - بنیادی است. این نشانه و اشاره بیشتر یادکرد پاره‌ای از واژه‌های ویژه آیه یا حدیث است (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۲):

رهی دارم به هفتاد و دو هنجار از آن یک ره گل و هفتاد و یک خار

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۸: ۹)

نظامی بر پایه روایت پیش‌گویانه پیامبر از گروه گروه شدن ملت مسلمان، بیت را بنا نهاده و با آوردن عبارت «هفتاد و دو» نشان داده که به روایت زیر نظر داشته است:

«إِنَّ أُمَّتِي سَتَفْتَرِقُ بَعْدِي عَلَى ثَلَاثَةِ وَ سَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا نَاجِيَةٌ وَأَتْنَتَانِ وَ سَبْعُونَ فِي النَّارِ» (قمی؛ ۳۵۹/۲).

در بیت زیر نظامی با استفاده از فرهنگ مشترک و زمینه‌ای که این مفهوم روایی در ذهن مخاطب در خصوص خلق دنیا دارد، خود را از تکرار بی‌نیاز می‌بیند و به مفهوم حدیث «لولاک» اشاره می‌کند:

دوران که فلک نهاده تست با هفت فرس پیاده تست

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۶)

«لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶).

در این بیت نیز شکوه و قدرت پیامبر تصویر شده است. فلک مانند پشته‌ای است در راه تو؛ زیرا سفر تو آن‌سوی تر از فلک بوده است و زمین همانند چاه و منطقه البروج رسن چاه توست. این بیت نیز به حدیث «لولاک» اشاره دارد:

گنج تو را فقر تو ویرانه بس / شمع تو را ظلّ تو پروانه بس
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۹۹)

اشاره به فرمایش پیامبر^(ص) که فرمودند: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ افْتَخَرْتُ». فقر فخر من است و به آن می‌نازم. مفهوم بیت این است که ویرانه گنج تو فقر توست، وجودت گنجی است که در ویرانه فقرت قرار گرفته است و سوخته آفتاب وجودت فقط سایه توست. علت اینکه سایه نداری این است که سایه تو را آفتاب سوزانده و از بین برده است.

۲-۲-۶- اثرپذیری تأویلی

در این شیوه شاعر تأویل آیه یا حدیث را دست‌مایه سروده خویش می‌سازد و با موشکافی از لایه‌های برونی و دریافت‌های همگانی و پیام‌های آشکار سخن، به لایه‌های درونی آن راه می‌یابد و پیام‌های پنهانی باز می‌آورد و بدین‌گونه از آیه و حدیث، طرح و تفسیری نو و پیامی دیگر رهاورد خواننده می‌سازد. در این شیوه اثرپذیری، از این روی که شاعر از آیه و حدیث، معنایی نغز و نو به دست می‌دهد، ناگزیر این اثرپذیری برخلاف دیگر اثرپذیری‌ها که گاه پنهان و گاه آشکار است، همواره آشکار خواهد بود (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۵).

تأویل نظامی از سخن مولا علی^(علیه‌السلام): «تَحَقَّقُوا تَحَقَّقُوا» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۶۲/۲۱) و سخن حضرت رسول^(ص): «جَبِي الْمُحَقَّقُونَ» (صدوق، ۱۳۶۲: ۳۶۴/۴) را در بیت زیر می‌توان مشاهده کرد:

رخت رها کن که گران رو کسی / کز سبکی زود به منزل رسی
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۳۲)

در بیت زیر نیز همین نوع اثرپذیری آشکار را شاهد هستیم:

بر دیو شهاب حربه رانده لا حول و لا ز دور خوانده

شاعر به ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹/ ۱۸۷) اشاره کرده است:

زخم بلا مرهم خودبینی است تلخی می مایه شیرینی است

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۰۱)

بیت تأویلی از سخن مولا^(۴) است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتْلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ إِحْرَاجًا لِلتَّكْبَرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اسْكَانًا لِلتَّنَادُلِ فِي نُفُوسِهِمْ» (سید رضی، ۱۳۷۹: ۲۹۴/۱۹۲). خداوند بندگانش را با سختی‌های مختلف می‌آزماید و به ناخوشایندی‌های گوناگون دچار می‌سازد تا خودبینی از دل‌شان بیرون رود و فروتنی در جان‌شان خانه گیرد.

۲-۲-۷- اثرپذیری تطبیقی

در این شیوه اثرپذیری که از یک دیدگاه به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، گوینده آیه یا حدیثی را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند، تطبیق می‌دهد، بی‌آنکه معنی ظاهری و اصلی آن را نقد و رد یا تأویل و توجیه کند. می‌توان گفت در این شیوه معمولاً معنی اصلی آیه یا حدیث را در نظر نمی‌گیرند و همین مهم‌ترین تفاوت تأویل با تطبیق است. تطبیق گونه‌ای نکته‌پردازی و ذوق‌انگیزی است برای پیوند دادن دو چیز و تطبیق یکی از آن‌ها با دیگری؛ دو چیزی که به ظاهر با هم پیوندی ندارند؛ نظیر پیوندهای تشبیهی و تمثیلی که میان دو چیز برقرار می‌شود؛ از این‌رو می‌توان تشبیه و تمثیل‌هایی را که مشبه به آن‌ها قرآنی و حدیثی است نیز اثرپذیری تطبیقی خواند (راستگو، ۱۳۷۶: ۶۰).

در بیت زیر نظامی تشبیه زیبایی به کار برده است و با این تشبیه تطبیقی انجام داده است. در توضیح همچو الف باید گفت الف را به صورت خطی قائم می‌نوشتند و

در تصویرسازی نشانه راستی و درستی بود و چون الف از حروف بی نقطه است، گاهی برای نشان دادن بی چیز و تهیدستی به کار می‌رفته است:

همچو الف راست به عهد و وفا اول و آخر شده بر انبیا
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

بیت در وصف پیامبر^(ص) است که: در عهد و وفا همچون الف راست هستی و همچنان که الف در اول و آخر کلمه انبیا قرار گرفته تو هم، اول و آخر انبیا هستی. اول پیغمبران به دلیل حدیث: «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمَ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْجَسَدِ» (فروزانفر، ۱۳۹۳: ۱۰۲) و آخر پیغمبران به دلیل: «عَلَى مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ۱۵۳/۶):

تخته اول که الف نقش بست بر در محجوبه احمد نشست
(نظامی گنجوی، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

وجود مبارک حضرت رسول اکرم^(ص) قبل از همه پیغمبران آفریده شده و چون خاتم النبیین است؛ لذا بعد از همه پیغمبران مبعوث گردیده است: «كُنْتُ أَوَّلَ النَّبِيِّينَ فِي الْخَلْقِ وَ آخِرُهُمْ فِي الْبَعْثِ» (فروزانفر، ۱۳۹۳: ۱۱۱). در محجوبه احمد کنایه از ابتدای کلمه احمد است و آن عبارت از «الف» است و ایهام به دربار نیز دارد. وقتی که الف در لوح محفوظ نقش یافت، در اول «احمد» که نام حضرت رسول^(ص) است، قرار گرفت (نظامی، ۱۳۷۴: ۱۷۱).

۲-۲-۸- اثرپذیری تصویری

در این شیوه اثرپذیری، شاعر تصویر شعر خویش را از قرآن و حدیث وام می‌گیرد. مراد از تصویر، نقش‌آفرینی‌های شاعرانه‌ای است که حاصل آن در زبان ادب تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تشخیص و به طور کلی صورخیال است؛ بنابراین در اثرپذیری تصویری، شاعر تشبیه، استعاره، کنایه یا مجازی را که در آیه یا حدیثی آمده مستقیم یا غیرمستقیم در شعر خود می‌آورد و یا سخن خویش را بر محور و

مدار آن تصویر پی می‌ریزد؛ مثلاً نکته‌ای قرآنی یا روایی را مشبه به تمثیل و تشبیه خود می‌سازد (راستگو، ۱۳۷۶: ۶۱).

در بیت زیر نظامی در پیری برنا شدن را از این سخن پیامبر^(ص) گرفته است:

«يَهْرَمُ ابْنُ آدَمَ وَ يَشْبُ فِيهِ خِصْلَتَانِ: الْحَرِصُّ عَلَى الْمَالِ وَ الْحَرِصُّ عَلَى الْعُمْرِ»
(محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۲۹/۱۰).

گرچه برنایی از میان برخاست چه کنم حرص همچنان برجاست

تا تن سالخورده پیرتر است آزاو آرزو پزیدتر است

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۵۵)

تشبیه دنیا به «رباط دو در» را در شعر بیشتر شاعران می‌توان یافت. این تصویر را نظامی در *اقبال‌نامه* و *شرف‌نامه* از روایت زیر گرفته است:

«رُويَ أَن جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِنُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَطْوَلَ الْأَنْبِيَاءِ عُمُرًا كَيْفَ وَجَدْتَ الدُّنْيَا؟ قَالَ كَدَارٍ لَهَا بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ خَرَجْتُ عَنِ الْآخَرِ» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ۳۳۹/۳).

رباطی دو در دارد این دیر خاک دری در گریو و دری در مگاک

نیامد کسی زان در اینجا فراز کزین در برونش نکردند باز

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۴: ۲۴)

دو در دارد این باغ آراسته درو بام از این هردو برخاسته

ازین در درون آی و بنگر تمام ز دیگر در باغ بیرون خرام

(نظامی گنجوی، ۱۳۷۶: ۲۰۷)

۲-۹-۲- اثرپذیری چند سوبه

با بازنمایی شیوه‌های گوناگون اثرپذیری می‌توان دریافت که «این شیوه‌ها ناسازگار و به اصطلاح مانع‌الجمع نیستند و چه بسا پاره‌ای از آن‌ها با یکدیگر در یک نمونه جمع می‌گردند و می‌توان گفت این‌گونه نمونه‌ها اثرپذیری چندسوبه دارند»

(راستگو، ۱۳۷۶: ۸۷).

معمولاً اثرپذیری‌های واژگانی، تلمیحی و الهامی - بنیادی را بیشتر ابیات یک‌جا در خود دارند.

۳- نتیجه‌گیری

۱- نظامی از شاعرانی است که توجه او به تعالیم اسلام بر افکار و اندیشه‌های او پرتو افکنده است. استفاده او از احادیث و روایات، اعتقادات دینی او را نشان می‌دهد و یکی از خصوصیات بارزی است که به آثار او عمق و عظمت بخشیده و سبب ماندگاری آن‌ها شده است.

۲- توجه نظامی به حدیث و استفاده از آن‌ها به روش‌های گوناگون نشان‌دهنده حضور ذهن و حافظه قوی، جامعیت، ابتکار و ایجاد، قوه تخیل و وسعت معلومات اوست.

۳- از میان شیوه‌های مختلف تأثیرپذیری، اثرپذیری واژگانی و الهامی - بنیادی بیشتر مورد توجه شاعر بوده است.

۴- نظامی برای نفوذ سخن خود، گاه بخشی از حدیث را بیان می‌کند و احادیث معروفی چون حدیث «لولاک» مورد توجه و تأکید اوست.

۵- در برخی موارد بدون آوردن عبارات عربی حدیث، مفهوم آن را در شعر خود آورده است.

کتابشناسی

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آلن، گراهام، (۱۳۸۰)، *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۳- تمیمی امدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
- ۴- حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۳)، *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، تهران: اساطیر.
- ۵- راستگو، سیدمحمد، (۱۳۷۶)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، تهران: سمت.
- ۶- زنجانی، برات، (۱۳۷۴)، *احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- سید رضی، محمدبن حسین، (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
- ۸- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳ ق)، *الجامع الصغیر من احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دارالفکر.
- ۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۲)، *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: میترا.
- ۱۰- صدوق، محمدبن علی بن بابویه، (۱۳۶۲)، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۶۷)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوس.
- ۱۲- طبرسی، ابوالفضل علی ابن حسن فضل، (۱۳۷۴)، *مشکاة الانوار*، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران: عطارد.
- ۱۳- فروزانفر، محمدحسن، (۱۳۹۳)، *احادیث و قصص مثنوی*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ۱۴- فوکو، میشل، (۱۳۸۹)، *دیرینه‌شناسی دانش*، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران: گام نو.
- ۱۵- قمی، شیخ عباس (محدث قمی)، (بی تا)، *سفینه البحار*، تهران: سنایی.
- ۱۶-، *مفاتیح الجنان*، با ترجمه فارسی محمد باقر کمره‌ای، کتابفروشی اسلامی، شماره ۲۳.
- ۱۷- متقی هندی، علاءالدین بن حسام، (۱۴۰۹ ق)، *کنز الاعمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله.

- ۱۸- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۱- ملاصدرا، صدر الدین محمد بن ابراهیم، (۱۳۸۰)، *تفسیر القرآن الکریم*، قم: بیدار.
- ۲۲- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۷۴)، *اقبال نامه*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: افکار.
- ۲۳-، (۱۳۷۸)، *خسرو و شیرین*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: قطره.
- ۲۴-، (۱۳۷۶)، *شرف نامه*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: علمی.
- ۲۵-، (۱۳۷۴)، *لیلی و مجنون*، تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۶-، (۱۳۷۲)، *مخزن الاسرار*، تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران: قطره.
- ۲۷-، (۱۳۷۴)، *هفت پیکر*، تصحیح وحید دستگردی، تهران: علمی.